

بهبود اوضاع اقتصادی و اشتغال از «فرار مغزها» جلوگیری می‌کند

اشاره:

نیروی انسانی یکی از منابع اقتصادی ارزشمند هر کشوری است که می‌تواند در کنار دیگر منابع، پویایی رشد و توسعه اقتصادی را موجب گردد. نیروی انسانی یا به عبارتی جمعیت همان قدر که می‌تواند از عوامل بازدارنده رشد اقتصادی به حساب آید، به همان میزان نیز می‌تواند عامل خلاقیت، ابتکار، مدیریت و توانایی انجام امور اقتصادی در راستای توسعه اقتصادی باشد.

کیفیت نیروی انسانی از لحاظ سلامت و تحصیلات (آموزش) و نیز روند رشد جمعیت، از مباحث بسیار مهم در اقتصاد است، زیرا که نیروی انسانی خلاق، مدیر و مستعد می‌تواند مسیر توسعه اقتصادی را هموارتر سازد. در مقابل جمعیت بی‌سواد و مصرف‌کننده که ناشی از رشد سریع و انفجار جمعیت به ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته است، می‌تواند مانع پویایی توسعه اقتصادی تلقی گردد. به همین جهت مبحث تعلیم و تربیت و بهداشت نیروی انسانی از مباحث حساسی است که می‌تواند این منبع اقتصادی را به عاملی پویا و توسعه‌پرور تبدیل سازد.

با توجه به نقش مؤثری که نیروی انسانی خلاق، مبتکر و مدیر می‌تواند در پویایی رشد و توسعه اقتصادی ایفا کند، شماری از کشورهای جهان در زمره کشورهای مهاجرپذیر قرار دارند و برعکس نیز کشورهایی وجود دارند که به دلایل گوناگون نیروی انسانی به دیگر جوامع اعزام می‌کنند.

در این مقاله که از سوی خاتم لیدرگتون، کارشناس امور اقتصادی به رشته تحریر درآمده است، به علل و پیامدهای مهاجرت نیروی انسانی می‌پردازیم.

کارشناسان امور اجتماعی، علل گوناگونی را برای مهاجرت نیروی انسانی به ویژه از کشورهای در حال توسعه به کشورهای صنعتی بیان می‌کنند.

روند مهاجرت نیروی انسانی از جوامع در حال توسعه به کشورهای پیشرفته صنعتی از اوایل دهه ۱۹۹۰

بار دیگر تشدید شده است و مایه نگرانی شماری از کشورهای صنعتی گردیده، تا جایی که در برخی از این جوامع، تنش‌های اجتماعی و رویارویی اتباع کشور با بیگانگان را نیز به دنبال داشته است.

به زعم کارشناسان، یکی از علل عمده مهاجرت نیروی انسانی، «امنیت»

می‌باشد. در کشورهایی که مورد تهدید جنگ‌های داخلی و خارجی قرار گرفته‌اند، مهاجرت نیروی انسانی به ویژه پناهجویان برای دستیابی به زندگی امن شدت می‌گیرد. اغلب این‌گونه مهاجرت‌ها با بازگشت صلح و آرامش به سرزمین موطن پناهندگان، رفع خطر و ایمن شدن زندگی مردم،

سوی مهاجران سیاسی، کشور درگیر با تنش‌های سیاسی را تهدید می‌کند و آن ایجاد گروه‌های مخالف (اپوزیسیون) در خارج از مرزها، اقدامات گروهی و حزبی این افراد در برابر رژیم حاکم و فعالیت‌های تبلیغاتی و سیاسی آنها می‌باشد که می‌تواند نگاه جامعه جهانی به آن کشور را تغییر دهد. لذا برقراری صلح و آرامش، ایجاد دموکراسی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی از عوامل عمده جلوگیری از مهاجرت‌ها و یا انگیزه برای بازگشت مهاجران (پناهندگان) به سرزمین موطنشان می‌باشد.

اما یک عامل حساس در مهاجرت‌ها، اوضاع اقتصادی است. شرایط اقتصادی کشورها از عوامل

عمده‌ای است که می‌تواند در اسکان جسمی و پیشگیری از سیل مهاجرت‌ها جلوگیری کند.

مهاجرت نیروی انسانی برای دستیابی به

شغل و درآمد مناسب از دلایل عمده مهاجرت‌های دهه گذشته است. افزایش فاصله میان کشورهای غنی و فقیر، رابطه منفی مبادله میان این جوامع، گسترش فقر در جوامع در حال توسعه، حرکت ناموزون توسعه اقتصادی در جوامع پیشرفته و در حال توسعه، تفاوت چشمگیر رفاه اجتماعی در این جوامع و... از عللی است که در مهاجرت نیروی انسانی با انگیزه اشتغال و کسب درآمد اثر مستقیم دارد.

در کشورهایی که با آشفتگی اوضاع سیاسی، درگیری‌های داخلی و نابه‌سامانی شرایط اقتصادی روبه‌رو می‌باشند، سیل مهاجرت شدت می‌گیرد. این مهاجرت‌ها اغلب با انگیزه دستیابی به رفاه بیشتر و زندگی امن سیاسی - اقتصادی صورت می‌گیرد. معمولاً درگیری‌های داخلی و تنش‌های سیاسی پس از یک دوره میان مدت خاتمه می‌یابد و شماری از مهاجران به سرزمین اصلی خود برمی‌گردند. اما همواره آن گروه از مهاجران که در رژیم سیاسی موجود احساس امنیت نکنند، به سرزمین خود برنمی‌گردند. نسل بعدی این گروه نیز اغلب به رژیم سیاسی مملکت اجدادی خود علاقه‌ای ندارند و زندگی

○ شرایط و اوضاع اقتصادی از دلایل مهاجرت نیروی انسانی است. ایجاد شرایط مساعد اقتصادی، رشد سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا و صادرات‌گرا برای پویایی مسیر توسعه، عقد قرارداد با دیگر کشورها برای اعزام قانونی نیروی کار و تضمین بازگشت آنها و... از عواملی است که می‌تواند مانع فرار مغزها شود.

در محیط جدید را به سهولت می‌پذیرند.

از این رو می‌توان گفت، دموکراسی و رعایت حقوق بشر در جوامع دیگر با تنش‌های سیاسی داخلی از مهمترین عوامل مهاجرت می‌باشند و در جوامعی که در آنها اصول دموکراسی و حقوق فردی و اجتماعی به‌طور قانونی تأمین و تضمین نمی‌گردد، بازگشت مهاجران سیاسی تقریباً محال است. البته یک خطر عمده نیز همواره از

کوتاه‌مدت می‌باشد و پناهندگان به سرزمین اصلی و موطن خود برمی‌گردند. با این حال وضعیت اقتصادی یکی از عواملی است که در تصمیم‌سازی نسبت به بازگشت پناهندگان به موطنشان اثر مستقیم دارد.

بارها مشاهده شده است که سال‌ها پس از خاتمه جنگ و برقراری اوضاع اقتصادی مطمئن، اکثر پناهندگان کشورهای درگیر جنگ به موطنشان برگشته‌اند، اما همواره شماری از آنها به سرزمینشان بازمی‌گردند، به ویژه آنان که در کشوری که مقیم شده‌اند، توانسته کار و حرفه مورد علاقه خود را بیابند و از درآمد و زندگی به نسبت مرفهی برخوردار گردند.

این گروه مهاجران، تبعه‌های جدید کشور مهاجرپذیر می‌شوند و معمولاً نسل بعدی آنها علاقه چندانی به سرزمین آباء و اجدادی خود

ندارند. با این وجود اغلب روانشناسان عقیده دارند که زندگی در سرزمین جدید برای مهاجران اولیه چندان آسان نیست و آنها با فشارهای روحی فراوانی روبه‌رو شده‌اند.

اما صرف‌نظر از ناامنی که یکی از دلایل عمده مهاجرت از کشورهای در حال توسعه به کشورهای صنعتی است، اوضاع سیاسی و اقتصادی نیز عامل دوم و مهمی در مهاجرت‌ها می‌باشد.

در برخی جوامع در حال توسعه که خانواده به نسبت پایگاه مستحکم تری دارد و افراد به سنت‌ها، آداب و رسوم و سرزمین موطنشان علاقه بیشتری دارند، بخشی از مهاجرت‌ها برای یافتن کار و درآمد اغلب در یک دوره زمانی ۵ تا ۱۰ ساله صورت می‌گیرد و مهاجران به سرزمین اصلی خود برمی‌گردند. در این شرایط معمولاً سرپرست خانواده اقدام به مهاجرت می‌کند و پس از کسب درآمد مورد نظر به کشورش برمی‌گردد و در کنار خانواده خود زندگی را ادامه می‌دهد.

هر چند که این گونه مهاجرت‌ها نیز در تضعیف بنیان خانواده و شرایط روحی و روانی اعضای خانواده بی‌تأثیر نیست، اما می‌توان گفت که آسیب‌های ناشی از آن به مراتب کمتر از مهاجرت تمام افراد خانواده می‌باشد. در این شرایط در نهایت مهاجرت‌ها موقتی است.

معمولاً برخی کشورهای صنعتی که با کمبود نیروی کار مواجه می‌باشند، پذیرای این گونه مهاجران هستند. البته دولت‌مردان آنها عقیده دارند که این مهاجرت‌ها می‌بایست از طریق مذاکرات و عقد قراردادهای رسمی برای دوره معینی صورت پذیرد و کشور اعزام‌کننده نیروی کار بازگشت مهاجران را تضمین نماید.

معمولاً دولت‌ها به عقد قراردادهای اعزام و پذیرش نیروی کار با شرایط معین رضایت می‌دهند، در این گونه مهاجرت‌ها، ضمن آنکه مهاجران به درآمد مورد نظر دست می‌یابند، از آنجا که اعزام‌ها به صورت گروهی صورت می‌گیرد، آسیب‌های روحی و روانی

کمتری به مهاجران وارد می‌شود. از این رو کارشناسان اقتصادی - اجتماعی عقیده دارند که در شرایط نابه‌سامانی اوضاع اقتصادی و به‌ویژه محدودیت بازار کار، عقد قرارداد میان دولت‌ها برای اعزام و پذیرش نیروی کار، اقدامی بسیار مثبت است و آثار اقتصادی مطلوبی برای هر دو جامعه دربردارد.

کشور اعزام‌کننده نیروی کار از درآمد ارزی مناسبی برخوردار می‌شود و کشور پذیرای کارگران به نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و رونق شکوفایی اقتصادش دسترسی پیدا می‌کند.

اما در چند دهه اخیر پدیده‌ای نو در مهاجرت شکل گرفته است که می‌توان آن را «فرار مغزها» نامید. در این شرایط کشور پذیرای مهاجران، با ضوابط دشوار، اقدام به گزینش و پذیرش نیروی انسانی می‌کند و مهاجران برای همیشه جزو اتباع کشور پذیرنده قرار می‌گیرند.

مهاجرانی که به صورت قانونی و با طی مراحل و کسب شرایط و امتیازات مورد درخواست کشور پذیرنده، به این جوامع مهاجرت می‌کنند، اغلب قادر هستند کار مورد علاقه و در حد توانایی‌ها و استعدادهای خود را بیابند و از درآمد مناسب و حقوق اجتماعی برابر با شهروندان دیگر برخوردار گردند. مسایل روحی و روانی برای این گونه مهاجران اغلب کمتر است و به لحاظ برخورداری از درآمد مناسب، قادر هستند هر چند سال یک بار سفری به سرزمین موطن خود داشته

باشند.

بازگشت این گونه مهاجران به عوامل گوناگون از جمله امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد. از آنجا که این گونه مهاجران اکثرشان افراد تحصیل کرده هستند، بازگشت آنها بدون ایجاد انگیزه‌های قوی به ویژه در خصوص حقوق فردی و اجتماعی، شغل مناسب و درآمد کافی میسر نمی‌گردد. این شیوه مهاجرت، اغلب به فرار مغزها تعبیر می‌شود و کشور پذیرنده نیز نخبگان و افراد تحصیل کرده را جذب می‌کند. پیامدهای اقتصادی ناشی از فرار مغزها برای کشور موطن مهاجران به مراتب بیشتر است. زیرا این کشورها با تحمل هزینه‌های اقتصادی - اجتماعی، اسباب تحصیل و آموزش نیروی انسانی را فراهم ساخته و در سن بهره‌وری، این نیروهای کارآمد و مدیر را از دست می‌دهد.

کشورهایی نظیر ایران که با این گونه مهاجرت‌ها روبه‌رو هستند، می‌بایست هر چه سریع‌تر به فکر ایجاد شرایط مساعد اجتماعی - اقتصادی، به‌ویژه اشتغال برای جوانان تحصیل کرده باشند تا از گسترش این گونه خسارات اقتصادی غیرقابل جبران جلوگیری کنند.

با وجود آنکه آمار دقیقی از مهاجرت یا به عبارت بهتر فرار مغزها از ایران به کشورهای پیشرفته از جمله کانادا، استرالیا و آمریکا در دسترس نمی‌باشد، اما به زعم کارشناسان «فرار مغزها» از ایران در سال‌های اخیر تشدید شده است.

برخی جامعه‌شناسان با اشاره به

وقایع دوم خرداد ۱۳۷۶ اظهار می‌دارند که انتخاب آقای خاتمی به عنوان رییس‌جمهوری ایران، از عوامل دلگرم‌کننده برای ایرانیان مقیم خارج از کشور بود، به طوری که شمار بسیاری از آنها در سه سال اخیر بار دیگر به ایران سفر کرده و زندگی در کشورشان را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

اما عدم تحقق برخی برنامه‌های پیش‌بینی شده، به ویژه اشتغال برای جوانان تحصیل‌کرده، برخورد نامناسب دستگاه‌های اجرایی در جذب متخصصان ایرانی مقیم خارج از کشور و به کار نگرفتن صحیح آنها در مشاغل درخور شأنشان از عواملی بوده که نه تنها نتوانسته در جذب متخصصان مقیم خارج مؤثر واقع شود، بلکه بیکاری گسترده در میان اقشار تحصیل‌کرده بار دیگر سیل مهاجرت و فرار مغزها را تشدید کرده است.

سفارت کانادا در تهران برای پذیرش مهاجران، ضمن بررسی وضعیت تحصیل و کارآمدی آنها، نداشتن سوء پیشینه را نیز مدنظر قرار داده است و متقاضیان مهاجرت می‌بایست برگه‌ای دال بر نداشتن سوابق کیفری را به این سفارتخانه تحویل دهند تا درخواستشان مورد ارزیابی نهایی قرار گیرد.

از آنجا که مهاجران اغلب ترجیح می‌دهند در کشورهایی که شمار بسیاری از اتباعشان غیربومی هستند، ساکن شوند، معمولاً استرالیا و کانادا بیشتر مورد علاقه مهاجران می‌باشند، زیرا در این کشورها تبعیض در رفتارها و حقوق اجتماعی کمتر به چشم

می‌خورد.

در نهایت باید گفت، جمعیت و نیروی کار از عوامل مهم مدیریت نوین اقتصادی - اجتماعی تلقی می‌شوند و نیروی انسانی می‌تواند با بهره‌گیری از استعدادها و توانمندی‌هایش به رشد و پویایی توسعه اقتصادی کمک مؤثری داشته باشد. بنابراین خروج نیروی کار جوان و تحصیل‌کرده از کشور یک ضایعه بزرگ اقتصادی است که می‌بایست راه‌های عقلایی برای پیشگیری و جلوگیری از آن یافت.

کارشناسان با اشاره به دلیل عمده فرار مغزها که بیکاری گسترده در جامعه ایران است، عقیده دارند که سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا در فعالیت‌های اقتصادی برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در سومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور الزامی است و حرکت در این راستا می‌بایست هر چه سریع‌تر صورت پذیرد.

این گروه کارشناسان اعزام نیروی کار ماهر و نیمه‌ماهر در چارچوب قراردادهای بین‌دولتی را راه‌حلی کوتاه‌مدت اما مؤثر تلقی می‌کنند و عقیده دارند، چنانچه دولت در این زمینه وارد شود و با کشورهای عمده شریک تجاری ایران (به ویژه کشورهای صنعتی عضو اتحادیه اروپا و کانادا) به مذاکره و عقد قراردادهای میان‌مدت بپردازد، به مراتب بهتر خواهد بود. زیرا این اقدام از یک سو نیاز متخصصان به شغل و درآمد مناسب را تأمین می‌کند و از سوی دیگر بازگشت مهاجران تحصیل‌کرده به ایران را تضمین می‌کند و در نهایت

کشور برای همیشه نیروی انسانی ماهر و متخصص خود را از دست نمی‌دهد. برخی کارشناسان عقیده دارند که فعالیت‌های یک تا دو ساله جوانان تحصیل‌کرده ایرانی در جوامع صنعتی به مهارت‌های آنها می‌افزاید و تجربه عملی بسیار موفقی خواهد بود. آنها همچنین عقیده دارند که اعزام‌های نیروی کار به این شکل در نهایت میان‌مدت خواهد بود و اقتصاد ملی بار دیگر از عناصر مستعد خود بهره‌مند خواهد شد.

مسأله بسیار حساس از دید کارشناسان آن است که چنانچه راه‌حل‌های قانونی برای اعزام نیروی کار اندیشیده نشود، زمینه گسترده‌ای برای فعالیت قاچاقچیان فراهم خواهد شد. این افراد که به‌طور غیرقانونی اقدام به خروج نیروی انسانی از کشور و اعزامشان به کشورهای مهاجرپذیر می‌نمایند، اغلب کارآیی چنین امری را ندارند و ضمن اخاذی از متقاضیان، حتی حیات آنها را به خطر می‌اندازند. در نهایت تذکر این نکته ضروری است که، ساماندهی بازار کار، رونق رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری و پدیدار شدن فرصت‌های اشتغال، عقد قرارداد با دیگر کشورها برای اعزام قانونی نیروی کار و... از عواملی است که می‌تواند در میان و درازمدت از مهاجرت نیروی کار یا به عبارت بهتر فرار مغزها جلوگیری کند.

